وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

هفته نامۀ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

خشک سالی در راه است، دولت باید دست به کار شود

ص۲

تهاجم قانونی غرب در کشورهای اسلامی

ص۶

دور ششم – سال نهم – شمارۀچهل و سوم ۳ دلو- ۱۳۸۸ – ۷ صفرالمظفر ۱۴۳۱ 23- January 2010

کابل زخمی دیگر برداشت

پوستینی که بخاطر کیک آتش زده شد



روز دوشنبه ۲۸ جدی شهر کابل شاهد حملهء یک گروپ از طالبان مسلح به مرکز این شهر بود. در حوالی ساعت نه و چهل وپنج قبل از ظهر صدای انفجار وسپس فیر مسلسل سلاح خفیف بگوش رسید. بزودی مشخص شد که گروهی از مخالفین مسلح بعد از اینکه یکی از آنان خود را در نزدیکی درب جنوبی ارگ منفجر کرد، به ساختمان فروشگاه بزرگ افغان یورش برده و از آنجا شروغ به شلیک گلوله بسوی ساختمان های دولتی که در مجاورت و تیررس این ساختمان قرار داشت نمودند.

در فاصلهء زمانی اندکی تعداد زیادی از نیروهای نظامی انتظامی به محل حادثه رسیدند و زدوخورد آغاز شد که مدت شش ساعت به طول انجامید. سرانجام با کشته شدن هفت مهاجم این واقعه به پایان رسید.

این خشونت ها در زمانی اتفاق افتاد که در داخل ارگ ریاست جمهوری مراسم تحلیف چهارده وزیر تائید شده از جانب پارلمان در جریان بود. سوال اینست که طالبان از این کار چه اهدافی را دنبال می کردند؟ آیا این تهاجم با مراسم تحلیف رابطه داشت؟

ادامه در صفحه ۲

ولس د مشاورينو لښکر جوړونه نه؛ بلکې احتساب او عدالت غواړي

ص۳

کنفرانس لندن و طرح مصالحه با طالبان



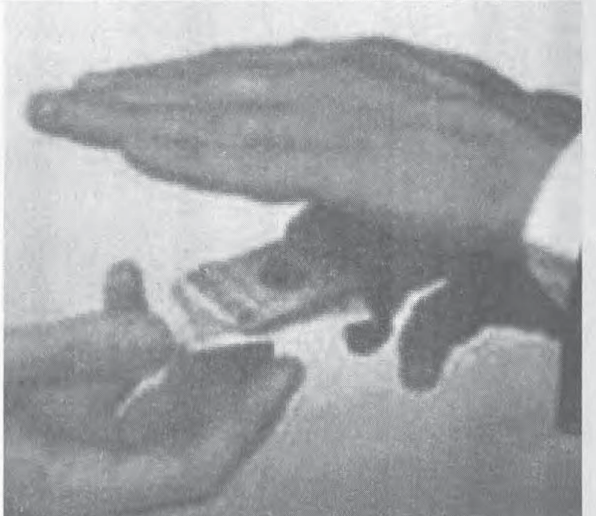
در ۲۸ جنوری سال جاری کنفرانس بین المللی لندن در مورد افغانستان، برگزار می گردد. این کنفرانس که با میزبانی مشترک گوردون براون، بان کی مون و حامد کرزی برگزار می شود، قرار است نمایندگان ۶۰ کشور و نمایندگان اکثر سازمان های بین المللی در آن شرکت نمایند. دعوت شدگان در سطح وزرای خارجه می باشند، اما شماری از کشور ها معینان وزارت امور خارجه و یا سفیران خود در لندن را به این کنفرانس خواهند فرستاد.

امنیت، حکومت داری خوب، مبارزه با فساد، مبارزه با مواد مخدر و مصالحه با مخالفان، مباحث عمده این کنفرانس را تشکیل می دهد.

ادامه درصفحۀ ۳

فساد حکومتی بزرگترین مشکل مردم

امکان ندارد کسی بدون پرداخت رشوه از خدمات دولتی بهره مند شود



هفتۀ گذشته دفتر مبارزه با فساد و جرایم سازمان ملل گزارش خویش را در زمینۀ فساد در حکومت افغانستان منتشر نمود.

بر اساس این گزارش ۶۰درصد مردم افغانستان فساد را بزرگترین مشکل خویش خواندند، ۵۴درصد مشکل امنیتی را مهم دانستند و ۵۲درصد بیکاری را مشکل عمده معرفی نمودند.

این گزارش که بر اساس مصاحبه با ۷۶۰۰تن در دوازده شهر و ۱۶۰۰ روستا در افغانستان تدوین گردیده است، یک سال را در بر گرفته است.

در این گزارش ذکر شده است که در سال گذشته از هر دو نفر یک نفر رشوه داده اند.

این گزارش حاکی است که در سال گذشته هر شهروند حدود ۱۶۰دالر رشوه داده است، اگر بپذیریم که درآمد سرانۀ مردم ۴۲۰دالر می باشد، هر فرد بیش از ۳۰درصد عواید خویش را رشوه داده است. مجموع رشوه های داده شده، ۲،۸ میلیارد دالر تخمین شده است.

بر اساس این گزارش بیشترین موارد فساد و رشوه از طرف مسؤولین و مقامات حکومتی صورت گرفته است. ادامه درص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

خشک سالی در راه است، دولت باید دست به کار شود

وضعیت آب و هوا و نباریدن باران نگرانی شدیدی را درمیان مردم به میان آورده است. تا هنوز که خزان و ماه نخست زمستان سپری شده، دشت ها و تپه ها خشک و خاکی است و حتی در کوه های فلک سای کشور خبری از فرش سفید و زیبای برف نیست.

هرچند که هنوز امید باقی است و چند ماه دیگر از فصل بارندگی را پیش رو داریم اما، در صورتی که این وضعیت ادامه پیدا کند؛ خشک سالی خطرناکی کشور را تهدید می کند.

خشک سالی بیش از ۶۰ درصد مردم را که اقتصاد شان متکی به زراعت و دامداری است بصورت مستقیم متضرر می سازد.

بقیه جمعیت کشور هم در معرض آسیب های جدی خشک سالی قرار دارند. اکنون شهر ها مخصوصاً پایتخت که بر اثر افزایش جمعیت با کمبود آب آشامیدنی رو برو است، در صورت خشک سالی، کمبود آب مشکل جدی را متوجه شهروندان کابل خواهد ساخت. هجوم مردم از روستا ها که به دنبال یافتن آب و نان، خانه های خویش را ترک می کنند و به شهر ها روی می آورند، مشکلات زیست محیطی و دیگر مشکلات شهر نشینان را بیشتر خواهد ساخت.

بیجا شدن مردم باعث ویرانی خانه ها و روستا ها و نابودی کشت زار ها و دام ها می شود، چیزی که نمی توان آن را پس از خشک سالی با امکانات اندک و زمان کوتاه بر طرف نمود.

در صورتی که اقدامات به موقع و کافی روی دست گرفته نشود اثرات خشک سالی، سال ها ادامه خواهد یافت، آباد کردن روستا ها و کشت زار های ویران و باغستان های خشکیده، زمان طولانی نیاز دارد و تهیه دامها و رمه های از میان رفته زمان و پول و کار بیشتر می خواهد.

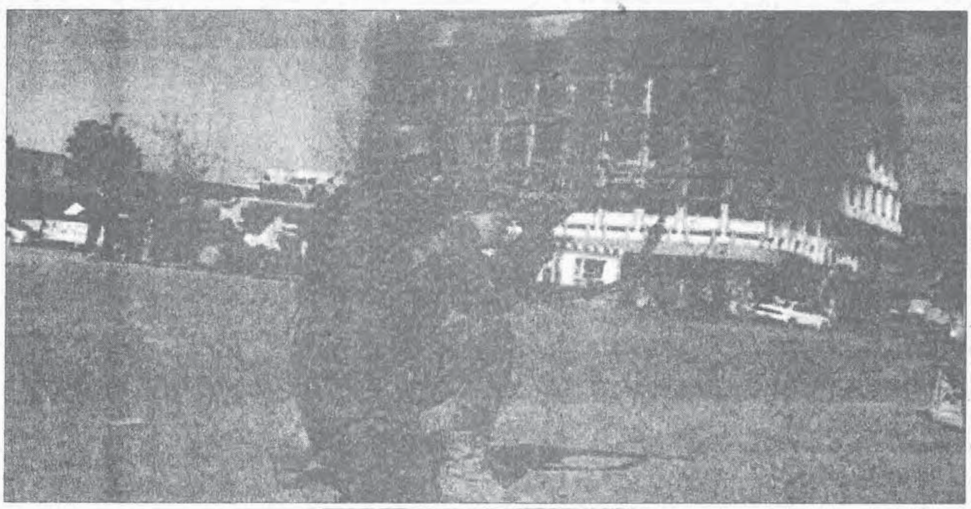
دولت در هشت سال گذشته با آن که ملیارد ها دالر کمک های خارجی را دریافت نمود، اما برای توسعه کشاورزی و استفاده از زمین ها و آب های کشور که بزرگترین سرمایه ملی است، کار قابل ملاحظه انجام نداده است.

با وجود چنین کم کاری و غفلت، وزرای زراعت یکی پی دیگری ادعای نادرست، گمراه کننده و عوام فریبانه را عنوان نموده گفته اند که کشور، درتولید مواد غذای به خود کفائی رسیده است.

اکنون که خطر خشک سالی کشور را تهدید می کند، باید دولت در صدد چاره جوی باشد و طرح های کوتاه مدت و دراز مدت را به منظور کاهش اثرات این آفت طبیعی روی دست بگیرد.

تهیهٔ غذا و آب برای آسیب دیدگان نیاز عاجل و اساسی است، اکنون که ٦ میلیون نفر به کمک مالی غذایی نیاز دارند و خشک سالی شمار این گرسنگان را بیشتر خواهد ساخت، دولت باید به هر وسیله که می تواند با تهیه غذا و آب از بیجا شدن مردم از خانه ها و روستاها جلوگیری کند.

در دراز مدت، باید دولت چندین طرح کلان ملی در زمینهٔ آبیاری زمین ها و به کار گیری آب های کشور که همچنان بدون استفاده به خارج سرازیر می شوند روی دست گیرد. اکنون ٦۰ در صد زمین های قابل کشت ما بصورت بایر و بدون استفاده باقی مانده است، با به کار گیری آب های جاری کشور، می توانیم برای همیشه از مشکل کمبود غذا و برق نجات پیدا نماییم و حتی تولیدات کشاورزی خویش را به بیرون صادر کنیم.



کابل زخمی دیگر برداشت

پوستینی که بخاطر کیک آتش زده شد

وحید مژده

جنگ در ساختمان و وارد شدن به ساختمانی که در آن دشمن کمین کرده است، نیازمند آموزش های ویژه ای است که باید به آن توجه شود. استفاده از هلی کوپتر در این موارد بسیار موثر است اما در این عملیات مشخص شد که پولیس ما از چنین امکانات بی بهره است.

بقیه از صفحهٔ اول

به نظر می رسد که طالبان با تصمیم گیری در مورد عملیات روز دوشنبه انتخاب دقیقی از زمان و مکان داشتند آنها تهاجم را در منطقه ای براه انداختند که قبلا نیز شاهد اقدامات مشابه از جانب آنان بود. حمله به هوتل کابل سرینا و حمله به وزارت عدلیه قبلا توسط گروپ های انتحاری آنان سازمان داده شده و عملی شده بود و این بار نیز آنان به محلی که بصورت جدی تحت مراقبت امنیتی قرار داشت و انتظار حمله نیز برده می شد دست به تهاجم زدند.

یک امکان اینست که آنها قصد وارد شدن به ارگ ریاست جمهوری را داشتند و شاید به همین دلیل بود که یکی از افراد انتحاری که طالبان از وی با نام حافظ همایون نام برده اند، خود را در مدخل ورودی ارگ در سمنت جنوب منفجر کرد. از اعلامیهء طالبان بعد از این جریان چنین برمی آید که تعداد افرادی که برای این حمله آماده شده بودند بیست تن بودند و قرار بود وزارت های عدلیه، معادن و مالیه را تسخیر کنند. اما وقتی حمله به درب ورودی ارگ با شکست مواجه شد، آنها به فروشگاه بزرگ افغان رفتند و در آنجا سنگر گرفتند.

این تهاجم طالبان را می توان یک اقدام نمایشی توصیف کرد. آنها با حمله در چنین مکانی می خواستند به جامعهء جهانی بگویند که آنان حتی در چند متری ارگ ریاست جمهوری هم توان عملیات رزمی را دارند.

از نظر زمانی گذشته از مراسم تحلیف، این عملیات با کنفرانس لندن نیز قرابت دارد. در کنفرانس لندن موضوع امنیت در افغانستان در صدر اجندای مورد بحث است. قرار است دولت افغانستان نیز طرحی به منظور تفاهم با طالبان را در این کنفرانس مطرح سازد. اقدام ۲۸ اسد طالبان پیامی به این کنفراس است که می خواهند بگویند ما قدرتی هستیم که با نادیده گرفتن ما امنیت در افغانستان مستقر نخواهد شد.

سفیر انگلستان در کابل نیز هوشدار داده است که طالبان در آستانهء کنفرانس لندن دست به عملیات بیشتر نمایشی خواهند زد تا این کنفرانس را تحت الشعاع عملیات شان قرار دهند. به نظر می رسد که طالبان با چنین عملیات درصدد اند تا اعضای کنفرانس را در مورد پیروزی جامعهء جهانی در برنامهء افغانستان متردد سازند.

یک هدف دیگر از این عملیات، تلاش در جهت تحت فشار قرار دادن افکار عمومی در کشور های غربی است. مردم در بسیاری از این کشور ها در مورد ماموریت نیروهای شان در افغانستان نظر مساعد ندارند و همه پرسی ها نشان می دهد که مردم بصورت روزافزون خواهان پایان دادن شرکت سربازان شان در جنگ افغانستان اند. طالبان به این تصور اند که عملیاتی از این دست می تواند این مخالفت را تشدید بخشد.

اما این حمله سوالاتی را در مورد پیشگیری های امنیتی در کابل مطرح می سازد. هرچند این مسئله روشن است که جلوگیری از عملیات انتحاری کاری نهایت مشکل است و کسی را که تصمیم گرفته است تا به قیمت جان خویش عملی را انجام دهد به مشکل می توان مهار کرد اما این سوال جای مطرح شدن دارد که این افراد چگونه توانسته بودند تا سلاح هائی چون راکت انداز، نارنجک انداز و پی کا و کلاشینکوف را به منطقه ای که بشدت از آن محافظت می شد منتقل سازند؟

نقش رسانه های داخلی در بزرگنمائی غیر مسئولانهء این رخداد مهم بود. خبرنگاران بعضی از رسانه های تصویری از حمله به مناطقی در شهر سخن گفتند که در آنجا حمله ای صورت نگرفته بود. بی دقتی در بازتاب حادثه نیز موجب نگرانی بیشتر مردم گردید.

اما عملیات نیروهای های نظامی و انتظامی کشور هرچند با تشویق و تقدیر از جانب مقامات دولتی مواجه شد اما لازم است تا به نقایص کار نیز اشاره شود. درست نیست که اشتباهاتی که صورت گرفت بخاطر حضور سریع این نیروها در منطقهء خطر نادیده گرفته شود.

نخست انیکه حضور صدها تن از نیروهای نظامی و انتظامی در جائی که از ابتدا مشخص بود تعداد مهاجمین اندک است، لزومی نداشت. تعداد اندکی از نیروهای مسلح برای محاصرهء محل می توانست از میزان تلفات جانی و مالی بکاهد. حضور صدها تن از نیروهای مسح با سروصدای زیاد، این واقعه را طوری به نمایش گذاشت که مهاجمان خواستار آن بودند و ابعاد واقعه را بسیار وسیع جلوه داد. نمایش ساختمانی که در نزدیک قصر ریاست جمهوری در حال سوختن بود و نیروهای مسلح دولتی بسوی آن با هر گونه سلاح دست داشته در حال شلیک بودند، تصویر دردناکی از ضعف آموزش نیروهای مسلح داشت و به هیچصورت نمی تواند نشان از آموزش مسلکی این نیروها داشته باشد. این تصاویر توسط رسانه های بین المللی به سراسر جهان مخابره شد و حتی بصورت زنده به نشر رسید. طالبان همانگونه که می خواستند، یکبار دیگر خبرساز شدند.

این واقعه نشان داد که نیروهای مسلح ما در جنگ شهری دارای ظرفیت کافی نیستند درحالیکه جنگ شهری از جنگ در کوه و صحرا فرق دارد. جنگ شهری در جائی به وقوع می پیوندد که در آن تراکم نفوس زیاد و احتمال زیانهای مالی وجانی بیشتر است پس این گونه جنک، به یک هنر ظریف یا یک عمل جراحی شباهت دارد.

جنگ در ساختمان و وارد شدن به ساختمانی که در آن دشمن کمین کرده است، نیازمند آموزش های ویژه ای است که باید به آن توجه شود. استفاده از هلی کوپتر در این موارد بسیار موثر است اما در این عملیات مشخص شد که پولیس ما از چنین امکانات بی بهره است.

اگر نیروهای مخصوص و با امکانات لازم برای این کار وجود نداشته باشد نتیجهء کار همان می شود که در ۲۸ جدی کابل شاهد آن بود. بخاطر کیک پوستین را به آتش کشیدند.

کنفرانس لندن و طرح مصالحه با طالبان

* احمد مهدی



ادامه از صفحۀ اول

آن طوری که گفته شده است، موضوع تعهدات جدید برای کمک به افغانستان در این کنفرانس مطرح نمی شود، بلکه راه کار های برای حکومت افغانستان در زمینه های ذکر شده تدوین می شود و جامعۀ جهانی حمایت خویش را از آن اعلان می کند.

در زمینۀ امنیت افزایش نیرو های مسلح افغانستان تا سقف ۴۰۰ صد هزار در مدت پنج و نیم سال آینده به عنوان مهمترین اقدام مورد توافق شرکت کنند گان قرار می گیرد، تجهیز آموزش این نیرو ها نیز شامل بحث امنیت می باشد.

مبارزه با فساد نیز موضوع مهمی در کنفرانس لندن می باشد، طرح بحث فساد نوعی سرزنش حکومت افغانستان می باشد، اکنون فساد در حکومت افغانستان به عنوان یکی از مشکلان عمده درکشور دانسته می شود، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل در گزارشی که هفته گذشته نشر نمود، فساد را بزرگترین مشکل مردم افغانستان خواند. طبق این گزارش، ۵۶ در صد مردم افغانستان گفته اند که مشکل اصلی آن ها فساد حکومت و رشوه خواری است.

مبارزه با فساد و ساختن یک ادارۀ سالم شاید دشوار ترین کاری باشد که پیش روی حکومت آقای کرزی قرار دارد. هر چند که حکومت همیشه شعار مبارزه با فساد را سر می دهد و در این زمینه دست به اقداماتی مانند تشکیل کمیسیون ها و برگزاری کنفرانس ها زده است، اما این اقدامات هیچ نتیجه یی به بار نیاورده در عوض فساد گسترش یافته و حکومت افغانستان را به دومین فاسد ترین حکومت دنیا تبدیل نموده است.

آشتی ملی و مصالحه با طالبان یکی از مباحث عمدۀ دیگر در کنفرانس لندن می باشد. مصالحه با طالبان پیچده ترین و دشوار ترین موضوع درکنفرانس لندن می باشد. با آن که تنها چند روز معدود برای برگزاری کنفرانس باقی مانده است، تا هنوز مسایل مشخصی در مورد طرح دولت برای مذاکره و مصالحه با طالبان در اختیار مردم و رسانه ها قرار نگرفته است.

گفته می شود حذف نام رهبران طالبان از لیست سیاه شورای امنیت، دادن مصئونیت برای رهبران و افراد طالبان، دادن پول و مشوق های مادی برای طالبانی که سلاح شان را بر زمین می گذارند و ایجاد اشتغال و آموزش های مسلکی برای آنان، از جمله موضوعات طرح مصالحۀ دولت می باشد.

امریکا، جاپان و انگلیس از همین اکنون پول های را برای پیاده کردن این طرح ها تعهد نموده اند.

هر چند که از دوسال بدین سو آقای کرزی آمادگی خویش را جهت مذاکره و مصالحه با طالبان ابراز داشته و حتی گفته است آماده است، نزد ملا عمر برود و با او مذاکره کند، اما تاهنوز پشنهاد مشخصی برای عملی کردن این سیاست ارائه نشده است و فکر می شود، دولت آقای کرزی در این زمینه آمادگی گرفته و در لندن بر نامه های مشخص تری را ارائه کند.

با این وجود، اکثر کارشناسان باور دارند که سیاست مذاکره و مصالحه با طالبان نتیجۀ در پی نخواهد داشت و در این زمینه ها چالشهای زیاد و پیچیدۀ وجود دارد.

تا هنوز طالبان هیچ گونه آمدگی برای مذاکره و مطالحه با حکومت آقای کرزی ابراز نکرده اند. حمله هفتۀ گذشته این گروه بر کابل و درگیری در کنار کاخ ریاست جمهوری که در روز تحلیف کابینه و در آستانه کنفرانس لندن صورت گرفت، تصمیم قاطع این گروه را برای ادامه جنگ و عدم سازش با حکومت به نمایش گذاشت.

فاصلۀ گسترده میان مواضع دو طرف در مورد قانون اساسی افغانستان، چالش دیگری مصالحه با طالبان دانسته می شود، طالبان به هیچ وجه آمادۀ پذیرش قانون اساسی کنونی که در آن دموکراسی، آزادی بیان و و دیگر آزادی های شخصی به رسمیت شناخته شده دید طالبان نیستند. از دیگر سوتغییر این اصول و تن دادن به دیدگاه طالبان در مورد شکل نظام، آزادی بیان و حقوق بشر، مخصوصاً حقوق زنان، برای حکومت کنونی و حامیان بین المللی آن، به هیچ وجه قابل پذیرش نیست. سازش میان مواضع دو جانب در این زمینه کار ناممکن به نظر می رسد.

حضور نیرو های خارجی چالش دیگر مصالحه با طالبان است، طالبان خروج نیرو های بین المللی از افغانستان را به عنوان پیش شرط هر گونه مذاکره و سازش مطرح می کنند، در حالی که خروج این نیرو ها می تواند به سقوط دولت و پیروزی طالبان بینجامد.

تقسیم قدرت میان طالبان و حکومت نیز چالش دیگری است، اکنون اعضای مقتدر و نزدیک تیم آقای کرزی وزارت های کلیدی را دراختیار گرفته اند. آیا آنها حاضر خواهند شد، جایشان را به افراد طالبان بدهند؟

چالش دیگری که پیش روی مذاکره و مصالحه با طالبان قرار دارد، اشتباه دولت در شناخت طالبان است، حکومت افغانستان طالبان را با گروه ها و جناح های مختلف تقسیم می کند، طالبان تندرو و میانه رو، طالبان داخلی و خارجی، طالبان عادی و طالبان وابسته به القاعده. کارشناسان عقیده دارند، این تقسیم بندی اشتباه آمیز و گمراه کننده است، وحید مژده کارشناس سیاسی عقیده دارد که طالبان همیشه یک گروه واحد و منسجم بوده از رهبری ملاعمر پیروی کرده اند.

در صورتی که دولت می خواهد با طالبان مذاکره کند باید با گروهی که از اوامر رهبر خویش ملا عمر پیروی می کنند و دارای وابستگی های ایدئولوژیک و مالی با القاعده هستند و همچنان تحت نفوذ کشور میزبان قرار دارند مذاکره کند.

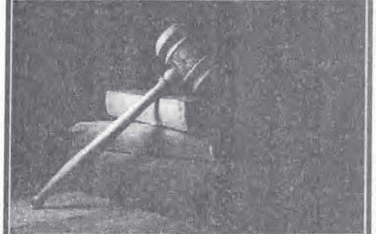
فکر نمی شود دولت و یا جامعۀ جهانی تا این اندازه از دشواری ها و چالش های مصالحه با طالبان غافل باشند و به این موضوع با دید سطحی نگاه کنند. مردم فکر می کنند هدف حکومت و حامیان آن نه مصالحه با طالبان بلکه، تجزیۀ این گروه به دو جناح ایدئولوژیک وابسته به القاعده و جنگجویان و طالبان عادی است. برنامۀ بعدی دولت تشدید جنگ علیه جناح ایدئولوژیک و در پیش گرفتن سیاست تطمیع جنگجویان عادی می باشد.

آیا این سیاست می تواند در شکست گروه طالبان مؤثر باشد؟ در این مورد نیز نمی توان زیاد خوشبین بود، سیاست تطمیع جنگجویان طالب، یک نوع سیاست باج دهی تلقی می شود که می تواند تأثیرات منفی در پی داشته، باعث کشاندن شمار دیگر به صفوف طالبان جهت باج گیری شود.

بسیاری ها بر این عقیده اند که یکی از علت های عمدۀ شورش و نا امنی در افغانستان فساد و بی عدالتی های مأموران و کارکرد ضعیف دولت می باشد، در صورتی که این عامل برطرف نشود و یک حکومت سالم و کارآ به میان نیاید، خریدن شماری از جنگجویان نمی تواند باعث کاهش شدید در صفوف مخالفان مسلح دولت شود، چون اگر جنگجویان کنونی را بتوان با دادن باج راضی نمود که سلاح های شان را برزمین بگذارند، نیروی طرد حکومت می تواند در عوض، شمار دیگری را به صفوف مخالفان بفرستد و بدین صورت جنگ و نا آرامی همچنان ادامه یابد.

ولس د مشاورینو لښکر جوړونه نه؛ بلکې احتساب او عدالت غواړي

شفیق



که ولس د کرزي صیب په دې سخاوتمندانه کړنو خوښ واې نو نن به د کابل په زړه کې د تحلیف د مراسمو سره یوځای د افغانانو غوښې نه الوتلې او نه سوځیدلې!!

وروسته له هغې چې د هېواد ولسي جرګې د خپل وظیفوي رسالت له مخې د ولسمشر کرزي لخوا په نومول شوو وزیرانو کې داسې تاریخي چاڼ وکړ چې نړیوال یې حیران کړل او دلومړي ځل لپاره په دوه و دفعو کې د یو ولسمشر لخوا وړپیژندل شوو وزیرانو کې یې اویا په سلو کې مسترد کړل نو کرزي صیب د وزارت سرپرستی او د مشاورینو لښکر جوړوني پروسه آغاز کړه؛ ځکه ولسمشر صیب له سلو زیاتو شخصیتونو(!) سره د خپل انتخاباتي کمپاین پر مهال د وزارتونو وعده کړیوه چې له امله یې هغه اوس دې ته اړ دی چې په مسترد شوو نوماند وزیرانو او نورو ورسره وعده شوو شخصیتونو باندې د سرپرست وزیر او مشاور هغه لقبونه وویشي چې پدې هیواد کې یې نه شمیر معلوم وي او نه د وړتیا معیارونه.

د دوشنبې په ورځ چې د کابل ښار په زړه کې د ارګ سره په څو متری کې د دولت مخالفینو د خپلې برلاسی ثبوت وړاندې کړ د جمهوري ریاست په مانۍ کې څوارلس + بې شمیره هغه نازولي چې د لوړې د ترسره کولو د مراسمو په نیت راجمع شوي وو چې پکی د ملی وحدت(!) په هیله د ملی مشارکت د سمبول په توګه د اوږده میز سرته له ټولو قوانینو خلاف یو داسې څوک هم ترسره کېده چې پدغه ځای کې یې حضور هیڅ جواز نه لرلو، څو د زوې له برخې و روسته پلار یو ځل بیا د ولسمشر د القابو ویشلو خیرات څخه برخمن شی.

او ددغه خیرات د دوهم دیګ په سر خلاصولو کې داسې خلک هم په مشاور جوړیدنه ونازل شول چې د خپل وزارت په دوره کې یې کوم خلک په ګمرکونو کې په دندو ګمارلي وو هغوې د څلورو کلونو په دوره کې اوس د کرزي صیب او د هغه د پلویانو په اصطلاح له (ټوپک سالارانو) څخه هم د ډېرو شتمنیو او جایدادونو مالکان دي، نو اوس پوښتنه دا ده چې د کرزي صاحب لخوا په کومه ښه کار نامه داسې خلکو ته بیاهم د القابو او دندو په خیرات(!) کې برخه رسیږي آیا د ولسمشر لخوا د داسې خلکو کړنې هم څارل شوي دي او د هغوې لخوا په دندو ګمارل شوو افرادو د شتمنیو اندازه شته؟ چې پخوا یې هیڅ نه لرله او اوس په خپلو ولایتونو **پاتې پر ۷ مخ**

برگی از آرشیف شعر جهاد و مقاومت

زآتش کین روی زمین درگرفت

بخش دوم

یکـی از نخبگـان نامـدار و دردمنـد کـشور- کـه قلـم توانـایش همـواره در خـدمت جهـاد، عـزت و آزادی و مـیهن دوسـتی و حقگـویی قـرار داشـته و صاحب آثار گرانـسنگ و ارزشـناکی در ایـن راسـتا مـی باشـد - جنـاب دکتـر شـیر احمـد نـصری حقـشناس است.

قبـل از ایـن کـه اشـاره یـی بـه گوشـه یـی از خـدمات فرهنگـی و ادبـی ایـن فرهیختـه داشـته باشیم، لازم است تـا گفتـه آییم: طلـوع آفتـاب ظلمـت سـتیز جهـاد در قلمـروی کـه بـه اشـغال روس هـا درآمـده بـود و نظـام دسـت نـشانده در افغانـستان بـه تـازگی داشـت از فـراز قلـه هـای حماسـه آفـرین سرزمین حادثه آشنای ما، بـه نـور افـشانی مـی آغازیـد. وحـشت و بربریـت عـاملین کودتـای ننگـین، بـا بهانـه ها و نیرنگ هـای گونـاگون، بـا گذشـت هـر روز ابعـاد تازه و گسترده تری بـه خـود مـی گرفـت. آنـانی کـه از ماهیـت رژیـم دسـت نـشانده، شـناخت بیـشتری داشتند، قبل از ایـن کـه کمونـست هـا بـه آزار و اذیـت آنها بپردازند و یـا موفـق بـه دسـتگیری و نـابودی آنهـا شوند، ره دیـار هجـرت را درپـیش گرفتـه بودنـد تـا در نطفه گذاری انقـلاب اسـلامی و راه انـدازی پیکـار بـی امان و جستجوی طـرق بـسیج همگـانی و...گـام هـای مـوثرتری بردارنـد. دکتـور حقـشناس یکـی از ایـن چهره های بارز و جهادگر به حساب می رفت.

این مـورخ شـناخته شـده –کـه از سـطر سـطر مقالات پر بـار و بیـت بیـت اشـعار آبـدارش، غـم و درد و مـصائب مـردم بیـرون مـی تـراود- از جملـۀ محـدود سخنورانی اسـت کـه اسـاس شـعر جهـاد را در محـیط هجـرت بنانهـاد و بـه عبـارت دیگـر او از جملـۀ نخستین رجال برجسته یـی اسـت کـه بـا زبـان و قلـم، چـه درشـعر و چـه در نثـر شـوری آفریـد و فریـاد برکـشید کـه وطـن مـورد تجـاوز قـرار گرفتـه و بـه اسارت دشمن درآمده است.

او درحـالی کـه از انـدوه بـی پایـان از دیـده اشک مـی افـشاند و اه سـوزناک از سـینه بیـرون مـی کشید، با بی تابی می خروشید:

وطن اسیر شد ای هموطن زجا برخیز
مکن درنگ خدا را، برهنه پا برخیز

آری! ایـن شخـصیت نامـدار و خـدمتگزار آگـاه وگرانقـدر، حینـی کـه درسـپیده دم جهـاد رخـت سفر به دیـار هجـرت کـشید، همزمـان بـا ورود بـه آن دیـار، خامـۀ سـیال و اثرآفـرینش را بـه خـدمت جهـاد قـرارداد و چهـرۀ سـیاه و ماهیـت کمـونیزم وعناصـر وابسته بـه کـشورتجاوزگر را، بـه مـردم آفتـابی سـاخت و فریاد بـرآورد کـه وطـن بـه اسـارت کـشانیده شـده و اکنون چاره یـی جـز قیـام و راه انـدازی جهـاد در برابـر عناصر بیدین و وطن فروش و جنایتکار نیست.

شـعر"ای همـوطن برخیـز" و هکـذا "زود شـو بـر پـا بکـن شـور و نـوای انقـلاب" ایـن سـخنور پرسـوز- کـه درمـاه سـنبلۀ ۱۳۵۷ در هوتـل کـامران پـشاور انـشاد گردیـده، از نخـستین منظومـه هـای جهـادی بـه شـمارمی رود کـه بـه وسـیلۀ هـواداران جهـاد تکثیـر و بـه هرجـا فرسـتاده مـی شـد و مطالعـۀ آن هـا بـر روان و اندیـشۀ خوانندگان، اثـرات ژرف و شگرفی می آفرید.

بناءً به وضـوح مـی تـوان ادعـا کـرد کـه خامـۀ ایـن شخـصیت والا گهـر، در کنـار بعـضی از شخـصیت هـای دیگـر، بزرگتـرین خـدمت را بـرای انقلاب اسلامی ایفا کرده است.

اینـک نهیـب آن دانـشور نـامور وطـن در بـاب اسـارت زادگـاهش (افغانـستان) و درخواسـت وی از مـردم، بـرای برپـایی قیـام و راه انـدازی انقـلاب اسلامی:

وطن اسیر شد ای هموطن! زجا برخیز
مکن درنگ خدا را برهنه پا برخیز
شتاب کن که همی فرصت ازکفت نرود
به قصد کشتن دشمن چو اژدها برخیز
کنون جهاد بود فرض برتو ای مسلم
بگیردشنه وخنجر، پی غزا برخیز
تویی سپاه خدا و خداست همرۀ تو
دلیرباش چومردان پارسا برخیز
گرفت دشمن ما را سپاه استعمار
تو ای سپاهی و افسر! بکش صدا برخیز
دگر برای من وتو، حیات ننگین است
بزن به خرمن ظلم آتش و به پا برخیز
دفاع میهن و دین بی گمان به عهدۀ تست
توچون حسین مبارز به کربلا برخیز
تویی به مردی و آزادگی فسانۀ دهر
همی رسیده کنون وقت ابتلا برخیز
بگردش آر تو چرخ زمانه باردگر
زنو بساز تو تاریخ آسیا برخیز
قبول بردگی و بندگی نه درخور ماست
بخیز و مردم از این رنج کن رها برخیز
به کف رسیدن جانان و یا که دادن جان
از این دو کار یکی را گزین، بیا برخیز!

چنانچـه مـی بینـیم، روح حماسـه و رزم از تک تـک ابیـات ایـن شـعر شـورانگیز پدیـدار اسـت. شاعر دردآشنا و آگـاه مـا گـزینش راه هجـرت را تنهـا به منظور نجـات از چنـگ دشـمن تلقـی نمـی کنـد، بلکـه ایـن اقـدام را بـه خـاطر انجـام رسـالت بـزرگ دینـی و وطنـی وانمـود مـی کنـد و بـا درنظرداشـت همین فلسفه اسـت کـه مفهـوم وغایـۀ هجـرت هـم مصداق پیدا می کند.

زمانی که ابیات دیگـر شـعر بـالا را از نظـر می گـذرانیم، مـشاهده مـی کنـیم کـه او ماننـد یـک مفتـی و یـا یـک عـالم دینـی، فرضیت جهـاد را از منبرسـخن بـه دیگـران بـازگو مـی کنـد و از یمـن همـین جهـاد برحـق، انـسان مـؤمن، بـه موقعیـت والای دیگـری دسـت مـی یابـد و آن همانـا قرارگرفتن مجاهـد بـه مقـام ارجمنـد "سـپاهی خـدا" است. همزمـان فرصـت آن میـسر مـی شـود تامقـام معنوی سـخنور نیـز عـروج کنـد. یعنـی موقعیت او از دیدگاه کتاب مقـدس آسـمانی (قـرآن عظـیم الـشأن) نیز مشخص گردد.

شـعر دکتـور در برگیرنـدۀ پهلوهـای مختلـف وضـعیت سـرزمین مـا (در زمـان اشـغال بـه وسـیلۀ ارتـش سـرخ) اسـت، همـراه بـا رهنمودهـای لازم.

او مـی گویـد: کـشوررا سـپاه اسـتعمار (اتحـاد شوروی متوفی) اشغال کرده، پس چه باید کرد؟

پاسـخ آن را بلافاصـله خـودش ارائـه مـی دهد که: دلیرانه به پاخیزنـد و بـه خـرمن ظلـم، آتـش بیفگننـد. زیـرا! مأموریـت سـنگین دفـاع از سـرزمین اسـلامی و دیـن مقـدس اسـلام، بـه عهـدۀ آنهـایی است کـه وطـن شـان را دوسـت دارنـد و ایـن گـروه مـستحق مـی باشـند تـا بـه عنـوان "همـوطن" مخاطب شوند.

ذکـر کلمـۀ "همـوطن" بـازگو کننـدۀ ایـن مساله است کـه: دکتـور حقـشناس بـه هـیچ صـورت نمـی خواهـد کمونـستها را بـا ایـن عنـوان خطـاب کنـد. بلکـه –از نظـر او- آنهـا بیگانـه انـد، بـه دلیـل اینکه سـرزمین مـألوف و آبـائی مـا را بـرای دشـمنان وطن می خواهند.

بیت ما قبـل مقطـع، دعـوت بـرای بـازپس گیری زمـام امورکـشور از دسـت روس هـا مـی کنـد. شعر معنون بـه: "زود شـو بـر پـا بکـن شـور و نـوای انقلاب" - طوری کـه اشـاره کـردیم - سـه مـاه بعـد ازکودتای بدفرجام ثور سـروده شـده و ایـن خـود مـی رساند که دکتـور حقـشناش از دسـایس و نیرنـگ هـا و پـلان هـای روس هـا معلومـات وسـیع داشـت و مـردم را از خطـرات جـدی و حتمـی اشـغال افغانستان توسط روسها، برحذر می ساخت.

یک نکتـۀ دیگـر در رابطـه بـه تـاریخ حـضور یـا تجـاوز صـریح شـوروی در افغانـستان بایـد گفـت: طـوری کـه در مقالـۀ تحـت عنـوان (اژدهـای سـرخ در آزمون مـرگ) نوشـتۀ آقـای خاضـع چـاپ شـمارۀ ۸ مجله وزین امـت تحلیـل شـده: "حـضور شـوروی در تمـام تحـولات کـشور از زمـان کودتـای ننگـین ثـور غیرقابـل انکـار بـود. [زیـرا] مـشاورین سیاسـی، نظـامی و اطلاعـاتی عمـلاً بـه هیـأت حاکمـه کابـل تعیین تکلیف مـی کردنـد و مـسلماً تمـام کـشتارهای دسـتجمعی صـحرایی، حـبس هـای گروهـی و فـرامین بـه هـم پیوسـته «شـورای انقلابـی» بـه دستور ایشان صورت پذیرفته است. امـا بـا بـه وجـود آمـدن مقاومـت هـای مردمـی، زمـام امورکابـل هـم بـه دسـت مـسکو افتـاد و رهبـر کبیـر خلـق؟؟! بـا شـاگرد وفـادارش هیچگونـه اراده یـی در امـور مملکـت از خـود نداشـتند. چنانچـه از لحـن صـحبت سـران شـوروی وقـت موضـوع مـشخص مـی شـود کـه بـا مـزدوران شـان هرگـز بـه چـشم رئـیس یـک مملکت مستقل نگاه نمی کردند."

دکترحقـشناس در یکـی از ایـن سـروده اش دو راه را بـرای رسـیدن بـه مـدارج علیـای هـدف در برابر هموطنان مجاهدش قرار می دهد:

مبارزۀ مسلحانه و مبارزۀ مالی!

چنانچه می گوید :

ز دست روس برآور زمام کشورخویش
و یا بساز سر و مال خود فدا برخیز

او اطمئنـان مـی دهـد در قبـال جهـاد اسلامی، مجاهد مـی توانـد بـه نیـل یکـی از ایـن دو راه توفیق یابد، یـا گـوهر آزادی و پیـروزی بـه چنـگ می آورد و یا به درجـۀ رفیـع شـهادت نایـل مـی آیـد. سـعی مبـارز بـه قـول حـافظ در راه مبـارزه، رسـیدن به یکی از این دو راه است:

یا جان رسد به جانان یا جان زتن برآید.

دکتـور حقـشناش در چنـد جـای یکـی از قـصایدش از آمـدن روس هـا و جنایـاتی کـه پـس از تهـاجمش بـه افغانـستان انجـام خواهـد پـذیرفت، بـه صـراحت یـاد آوری کـرده و هـشدار مـی دهـد کـه پیـشبینی او بعـدا- بـا مطالعـات گـسترده یـی کـه از تاریخ تجاوز روسها داشت - تحقق پذیرفت:

لوگر و گردیز پرسازند از روس سفید
مرکزکفار گردانند سستان ترا

یا:

غزنه ات تاراج سازد توپ و تانک بلشویک
برهری آرد سپه گیرد خراسان ترا
کابلت را می نماید مرکز فرماندهی
باشگاه روس سازد بلخ و میدان ترا

یا:

بم فرو ریزد چو باران برسرت پیلوت روس
می کند در خاک و خون اسمار و زدران ترا

ویا:

کشور محمود و احمد شاه شود پامال روس
همچو گورستان کند این سنبلستان ترا

چنانچه شـاهد بـودیم، ارتـش سـرخ بـا کمـال بیشرمی تمـام بـه مشاطق کـشور یـورش آورد وآنهـا را تحت سیطرۀ خود قرار داد.

در گیـرو دار ایـن حـوادث، عـدۀ زیـادی ازپ یـشتازان تحریـک اسـلامی افغانـستان در پـشت سلول های زنـدان هـای وحـشتبار بـه سـرمی بردنـد که بعضی از آنها قبـل از کودتـای ثـور بیـشتر ایـشان با روی کـار آمـدن خلقـی هـا و پرچمـی هـا ، خلعـت برین شهادت را بر تن کرده بودند .

بحثی پیرامون مثنوی مولانا جلال الدین محمدبلخی

دکتور شمس الحق آریانفر قسمت چهارم و پایانی

در شمار کتـاب هـای عرفـانی ،مثنـوی چنـین امتیـازی رانـصیب شـده اسـت. اینکـه کـه حـدود ۸ صد سال ازعمـر آن مـی گـذارد ،نتنهـا داشـته هـای آن کهنه نـشده ،کـه بـشریت امـروز گمـشدۀ خـودرا درآن مـی جویـد.چـه مثنـوی درحقیقـت ترجمـه وتفسیر قـران اسـت . همانگونـه کـه سـروش مـی گوید:

« باوجود هفت قـرن فاصـله زمـانی کـه بـاآن بزرگوار (مولانـا) داریـم، همچنـان مـی تـوانیم ازآن گـوهر هانـصیب ببـریم واسـتفاده هـای نیکـو کنـیم وبطور قطـع قـرنْ هـا وقـرن هـا هـا نیـز ایـن حـق استفاده ادامه خواهد داشت. »

محکمـات ومتـشابهات درمثنوی: بـه گونـه قرآن کریم که آیـات محکـم ومتـشابه درآن وجـود دارد، درمثنـوی نیـز اشـعاری وجـود دارد کـه بـه ساده گـی قابـل فهـم اسـت واشـعاری کـه نیـاز بـه شرح وتفسیر دارد.

سـروش درهمـین رابطـه اسـت کـه مـی گوید:

«گـاهی مولانـا بـا خـود نجـوا میکـرد. آنجـا سـت کـه معنـی هـای بـزرگ درطـرف هـای تنـک ریختـه میـشد، وشـارحان رابـه مـشکل انداختـه است.»

قرآن شریف ومثنـوی شـریف : مـسلمانان بـه خـصوص درافغانـستان کتـاب مثنـوی راباصـفت شریف یاد مـی کننـد. همانگونـه کـه قـرآن شـریف گفته می شود،مثنوی شریف می گویند.

درخریـد وفـروش مثنـوی نیـز، واژه یـی رابکار مـی برنـد کـه درایـن مـورد درپیونـد بـاقرآن کـاربرد دارد. مـی گوینـد : مثنـوی شـریف راچنـد هدیه گردی؟ هدیه ایـن مثنـوی چنداسـت؟ درخانـه هـامثنوی درکنـارقرآن شـریف جـادارد. بـه گونـۀ قـرآن ،مثنـوی راجلـد مـی کننـد. وباطهـارت بـه خوانش آن می نشینند.

سـورۀ فاتحـه ونـی نامـه: درقـرآن شـریف سوره فاتحـه قلـب قـرآن اسـت. .همـه سـوره هـا از زبان خداسـت وسـورۀ فاتحـه اززبـان بنـدگان اسـت. بنده بـاخوانش ایـن سـوره باخـدا مناجـات مـی کنـد واحساس نزدیکي مـی نمایـد. درآیـات قـرآن ،ایـن سوره باخودقرآن همپایـه قـرار داده شـده ،آنجـا کـه مـی فرمایـد: ماسـورۀ حمـد وقـرآن عظـیم رابـه تـو عطاکردیم.

دیباچـۀ مثنـوی کـه ابیـات نـی نامـه اسـت ،نیز همین ویـژه گـی رادرمثنـوی دارد.شـاید مولانـا اینجـا هـم بـه قـران نظـر دارد مـی خواهـد همـان گونـه عمـل کنـد. عبدالحـسین زریـن کـوب مـی نویسد.

« نـی نامـه درحکایـت وشـکایت پـردرد وسوز زبدۀ این معانی (عـشق وفقـر) رابـه بیـان مـی آورد ،بـدون شـک تمـام عـالم کبیرمثنـوی را، درعالم صغیر وجود محدود خویش دربردارد..»

پیونـد مفـسرقران و شـارح مثنـوی : درمیـان علمـای دیـن ،عـالمی ، زبـده وبـزرگ اسـت کـه مفـسر تواناباشـد وقـرآن کـریم راترجمـه وتفـسیر نمایـد. بـاز درافغانـستان عـالم تـرین کسیـست کـه باهمه علمیـت ، شـارح مثنـوی نیزباشـد. یعنـی اگـر مفسرقرآن است بایدشـرح آن تفـسیر را،کـه مثنـوی باشد ،نیز بداند.به سخن دیگـر مثنـوی راکـسی مـی توانـد شـرح درسـت نمایـد کـه عـالم ومفـسر قـران باشـد ، دانـشمند کـه علـم دیـن وقـران وتفـسیر را ندانـد ، هرچنـد توانـا باشـد درشـرح مثنـوی نـاتوان خواهد بود.

وایـن هاسـت برخـی از رمـوز ونکـاتی کـه مثنوی را قران فارسی ویا قران عجم گفته اند.

مقامه نویسی در ادبیات عربی و فارسی دری



استاد عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

در اواخر قرن چهاردم هـ در نثر عربی، فن جدید به وجود آمد که مبتکر آن بدیع الزمان همدانی، نام آنرا مقامات گذاشت و سپس نثر نویسان دیگری در زبان عربی و فارسی آن را تقلید کردند. واژهٔ مقامات جمع مقام و به معنی جای استادن، مجلس و محل اجتماعی قبیله و مترادف با مکان و مجلس؛ یعنی جای که در آن هستند، یا نشسته اند به کار رفته است، مانند مقامات خطبا و مجالس قصاص.

در مقاله بیشتر به عبارت پردازی، سجع سازی و صنایع لفظی توجه می شود از بدیع الزمان همدانی به عنوان کسی که نوشتن مقاله را در ادبیات عرب، باب کرده است، نام برده می شود.

کتاب های زیادی به شیوهٔ مقامات همدانی نوشته شده است که می توان از حریری که در اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم می زیست نام برد که ۵۲ مقاله از آن در دست می باشد.

به تعقب آن قاضی حمید الدین بلخی (۵۵۱ هـ)، اواخر قرن ششم به شیوهٔ حریری به زبان فارسی دری مقاله نوشته است سعدی شاعر بزرگ زبان فارسی حکایات خویش را در شیوه مقاله ایجاد کرده است.

حکایات سعدی برخلاف مقامات حریری و همدانی، در سیرت پادشاهان در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی و در عشق و جوانی به وجود آمده است. در آغاز، مقاله ها با نثر مصنوع، آمیخته با شعر در مورد یک قهرمان واحد که به صورت نا شناسی در داستان ظاهر می شود و حوادث را به وجود می آورد، تبلور یافته است. امروز ۵۲ مقاله از مقامات بدیع الزمان همدانی در دست است، گفته می شود که هر مقاله همدانی، عیسی بن هشام است. مقامات حریری که به تقلید و پیروی از همدانی، به وجود آمده است، قهرمان و راوی آن ابوزید سروجی می باشد کار این قهرمان گدایی است که آن را به شیوه های مختلف از قبیل خدعه، مکر، دزدی و دنائت انجام می دهد.

سعدی در مور آن چنین می گوید.

گدایی که بر اسپ نر زین نهد
ابوزید را اسپ و نرزین نهد

مقامات حمیدی موضوعات گونا گون را شامل میشود و مانند مقامات حریری محدود به گدایی نمی باشد. مثلاً در نخستین مقاله خود چنین می گوید! « حکایت کرد مرا دوستی که» اما از او نام برد و در آخر مقاله قهرمان داستان گم می شود و نویسنده در قطعه شعری می گوید. « معلوم من نشد که سر انجام وی چه بود»؟ مقامات حمیدی در حقیقت تقلید است، از مقالات بدیع الزمان در مقامات حمیدی به جای آنکه به محتوا اهمیت داده شود، به حیله گری یکنواخت پرداخته می شود و به لفظ و به شیوه های صوری توجه صورت گرفته است، هر چند گاهی در آن یک سلسله مواعظه و نکته های شیرین و لغزهای لغوی و نحوی با بیان، غرابت لفظی در شیوهٔ نثر مسجع دیده می شود. مقاله نویسان معتبر عرب این ها اند!

بدیع الزمان همدانی (۳۵۸ ــ ۳۹۸ هـ ق) که در امور مقامات وی شروح زیادی نوشته شده است.

حریری (۴۴۶ ـ ۵۱۶ هـ) که به تقلید از همدانی به کار مقاله نویسی ادامه داده است. اکثر مقالات حریری پیرامون نیرنگ گدایان می چرخد و گاهی نیز شکل اخلاقی را به خود می گیرد. ابن طقطقی در مورد این مقاله ها چنین می نویسد! «تنها فایده یی که مقاله دارد، تمرین انشاء و آگاهی بر مذاهب نظم و نثر است، ازینکه داستان بر مبنای گدایی بناشده است، موجب می شود، تا همت خواننده به پستی گراید». در آغازی دورهٔ عباسی کلمه «مقام» جنبه دینی به خود گرفت و به سخنانی که در مجلس خلفا، ایراد می گردید اطلاق می گردید.

در قرن سوم هجری مقاله به سخنان استغاثه آمیز گدایان اطلاق می شد که به سبک سخن کاهنان بود و داستان فن گدایی را به نمایش می گذاشت قصه گوی در میان جمع نشسته، یا استاده داستانی را عنوان کرده و سخن می گوید و در پایان به دریوزگی و گدایی می پردازد. درین داستان ها از صنایع لفظی فراوان کار گرفته می شد. در زبان فارسی دری، مقامه نویسی به تقلید از نثر عربی آغاز یافت، این نوع نثر، به نثر فارسی تأثیر گذاشت، در قرن پنجم هـ خواجه عبدالله انصاری، نخستین نویسنده یی بود که به سبک مقامات در التزام به سجع کوشید در قرن ششم قاضی حمید الدین بلخی متوفا (۵۵ هـ) تنها نویسنده زبان فارسی است که سبک مقامات همدانی و حریری را هم از جنبه داستان نویسی و هم در اسلوب نگارش با مختصر تفاوت هایی تقلید کرد و ۲۴ مقامه خود را به وجود آورد. تأثیر مقامات حمیدی به حکایات سعدی منجله گلستان مشهود می باشد مقصود سعدی درین تقلید فقط ابراز نظر در هنر نویسنده گی می باشد استعمال سجع و توازن نشانه توجه بعدی به مقامات می باشد، روح فکاهه و هنرلی که در پاره یی از حکایات گلستان وجود دارد، در مقامات عربی نیز وجود دارد.

پاره یی از حکایات گلستان، چون جلال سعدی با مدعی از حیث طول حکایت و سبک نگارش، کاملاً به مقامات نزدیک است. مقامه در ادبیات عربی و فارسی، پیشینهٔ درخشان دارد میلان مقاله بعد ها، تغییر می یابد و زمینه هایی گونه گون اخلاقی، ادبی حقوقی و غیره را شامل می گردد. حال به یکی از این مقامه ها اشاره می شود که چگونه درآن سجع و موازنه مراعات گردیده وشواهدی از شعر پند و حکمت را در خود دارد.

حکایت کرد مرا دوستی که در مودت ید بیضا داشت و در محبت رأی بینا. که وقتی از اخوان حضر مشتکی شدم بر عصای سفر متکی گشتم، خواستم که قدمی چند بسپرم و مرحله چند بشمرم تا ملامت اخوان به تعطف بدل شود و نفرت یاران به تأسف باز گردد، که طول اقامت موجب سآمت است و ادمان صحبت علت ندامت.

ومن لزم الا قامه فی البیوت
شکورا قانعاً بقلیل قوت
یطوف و ان تطاولت اللیالی
حوالیه طواف العنکبوت

« هر که خانه نشینی را بذیرد، در حالی که به رزق اندک راضی گردد و قانع شود، هر قدر شب های طولانی سپری گردد، او چون عنکبوت به دور خود می گردد».

در حضر چون عنا کشیم همی
رخت سوی سبا کشیم همی
پای ازین منزل خراب و هوان
به زمین هواکشیم همی
وز فضای قضا زمام مراد
کس نداند کجا کشیم همی
دل ما تنگ شد زمانه تنگ
رخت سوی قضا کشیم همی

نا گاه بی هیچ عدت و مدت، رفتن را رأی کردم و اعتماد بر مرکب پای، زین ادارت بر براق اشتیاق و قدم مجاهدت در راه عراق نهادم، طبعی از اقامات ملول و عزمی در حرکت عجول، چون فرسنگی چند از راه کوتاه کردم و در عواقب و نوائب سفر نگاه گفتم راه را از یاری و دار را از جاری چاره نبود. الدلیل ثم السبیل (نخست رهنما سپس راه)، که شرط اهم وکن اتم در سپردن طریق بدست آوردن رفیق است. مفرد دویدن صنعت لال و تنها رفتن رسم خیال است... در پایان این مقامه چنین توصیه هایی آورده می شود؟ اما رای جوان زینها تا نخست دست در دامن همراهی نزنی، پای در عرصه گاه سفر منه که الواحد شیطان. در مقامه نویسنده سر گذشت خود را برای راوی بیان می دارد در مقامه نقل لطیفه ها یا سر گذشت سرگرم کننده از ارگان مهم آن است. باید گفت که مقامه، یکی از گونه های نثر ادبی و در حقیقت نمایشی از مهارت لغوی مولف درقالب داستانی می باشد و غالباً جنبه فکاهی را بخود می گردد.

قالب جدیدی که مقامه بدان متصف است، مبتنی بر روایت داستان ساده یی است که قهرمان آن، پنهان و نا شناس می باشد. ویژه گی های مقامه های نخستین مثل همدانی و حریری در هنر نمایی های لفظی، عوام فریبی و چاره سازی به منظور کسب روزی، منحصر می باشد. شخصیت مقامه ها به یک شکل تکرار می گردد و ابداع و ابتکار شیوه پرداخت این مقامه ها، فقط در لغت پردازی و ترکیب سازی آن محدود می گردد. موضوع اکثر مقاله های همدانی را در یوزگی و ترفند های در یوزگان تشکیل میدهد. این مقاله نویسان نخستین به جای انتقاد جدی از مسائل اجتماعی، آداب و رسوم جامعه، به نکته پردازی های ادبی چیستانهای لغوی، صنایع لفظی و سبک های لفظی که از نظر معنی و محتوا فاقد ارزش بوده است، پرداخته اند. باید گفت که فن مقامه بعد از آنکه یکی از شاخه های فن قصه نویسی را در ادبیات عرب به وجود آورد، تحول دیگری را نیز به دنبال داشت و ان بیرون آمدن مقامه از انحصار در بار خلفا و ورود آن در میان عامه مردم بوده است. مقامه میدانی بوده است برای توصیف بسیاری از آداب و رسوم رایج در میان طبقات میانه و بالای جامعه، زمان مولف و نویسنده آن. این مقامه است که پر بار ترین نوع ادب عرب را به وجود آورد و شایستگی آن را یافت که در پایگاه قصه و تیاتر در ادبیات مغرب زمین راه یابد. تحقیق میان مقاله های فارسی دری و عربی از موارد دلچسپ ادبیات است.

د مرغومې اته ویشتمه، د یرغلگرو بری یا د حکومت؟...

- د طالبانو ویاند له برید نه وروسته رسنیوته وویل چې شل ځانمرګی کابل ښار ته استول شوي و، خو حکومت وايي چې اوه کسه بریدګر وژل شوي چې دا لامعلومه نده چې نور څه شول او یا کیدای شي راتلونکی لپاره ذخیره شوي وي.

- له برید نه وروسته او د وسله والو بریدګرو د وژلو او د پیښې له ختمیدو نه پس، د دفاع او کورنیو چارو وزیران او د ملي امنیت رئیس په یوه ګډه خبری ناسته کې وویل چې د پېښې په کنترول او د ملکي وګړو د تلفاتو د مخنیوی په برخه کې د دوی زیار یوه اتلولي ده او په ډیر کم ممکن وخت او په ډېر کم ممکن تلفاتو دوی وکولای شول چې بریدګر وځپي او امنیت اعاده کړي!

که څه هم په دې بیړنی خبری ناسته کې د یادو شوو لوړ پوړو چارواکو په خبرو کې په تیره بیا د رپوټ په وړاندې کولو کې همغږي نه وه او خبری له یو بل سره توپیر درلود، خو دا وویل شو چې د حکومت لوی بریا و او ترهګر په خپلو موخو کې پاتې راغلل!

له بل خوا طالبان ادعا لري چې دا برید د هغوی د پیاوړی ځواک څرګندویه ده چې ځنګه کولای شي سره له سپکو او درنو وسلو د ښار زړه ته ننوځی او مشخص اهداف په نښه کړي.

په دی کې هېڅ شک نشته چې د اردو، پولیسو او ملي امنیت ځواکونو په میړانه له پېښې سره مقابله وکړه او د داسې پېښو تکرار د هغوی محاربوی ځواک او مورال غښتلی کوی او هغه لومړی ډار او ویره اوس دوی سره نشته، نو کولای شو چې د بریدګرو په ځپلو کې د حکومتي ارګانونو ونډه یو بریا وشمیرو. خو دا سوال پرځای پاتې کیږي چې بریدګر ځنګه کولای شي له څو امنیتي کمربندونو څخه تیر شي او سره له درنو وسلو د ښار زړه ته ننوځي او عملیات ترسره کړي؟ د یادونې وړ ده چې دا برید د نوی کابینې د لوړې د مراسمو سره سم او ارګ ته څیرمه ترسره شوه چې د حکومت د ضعف او د بریدګر د ځواک څرګندوی ده!

دا پېښه په ښکار توګه په ډاګه کړه چې وسله وال ځواکونه د ورته پېښو د مخنیوی توان نلری او بریدګر کولای شي ښارته او ارګ ته نژدې وسله وال برید ترسره کړي. دا په داسې حال کې چې ولسي جرګه او د ولس استازی شلو نوماندو وزیرانوته د باور رایه ورنکړه او په لومړی ځل یواځې اوه نوماندانوته رایه ورکړه چې د دفاع او داخلي نوماند وزیران په کې شامل و!

تهاجم قانونی غرب در کشورهای اسلامی

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل / قسمت ششم

در فلسفۀ قانون یکی از اصولی که می تواند در قطار عوامل ساختار جامعه و پیشرفت کارا و موثر باشد. این است که قانون نباید به حیث یک نظریه و ایدۀ برتر و دور از واقعیت باشد که جامعه را از پیشرفت و انکشاف باز دارد، قانون باید همگام با پدیده ها و حوادث زندگی و جریانات آن، حرکت کند؛ زیرا بحران ها و تحول های تمدنی جامعه در واقعیت آمر، آزمونگاه قدرت قانون در عرصۀ تنظیم امور مختلف به شمار می رود. (۱)

بر بنیاد گفتۀ فوق بهترین قانون قانونی خواهد بود که واقعیت جامعه را بازگو کرده و در همآهنگی با سرشت و طبیعت آن باشد، از خاکه باورها و فرهنگ او سرکشیده و مردم به گونۀ پایدار با آن در تعامل باشند.

با ذکر مطالب یاد شده باید یاد آور شد که جمود فقهی حاکم در جامعه از قرن چهارم به بعد، به خطر بزرگی تبدیل شد که همانا تقدس بخشیدن به آراء فقهی قانونی و فرق نگذاشتن بین نصوص شرعی موجود در قرآن و سنت و آرا و اجتهادات فقهی قانونی بود.

یقیناً همچو موضعگیری برخلاف موضعگیری های علماء گذشته بوده و وجود و عدم احکام را برمحور علل آن ها مورد قضاوت و داوری قرار می دادند، بر بنیاد همچو پیشبینی بود که احکام را –جز در برخی مواردی که فعلاً به آن ها اشاره شد– برطبق حوادث و تحولات جاری همانگونه که ابن قیم گفته است: هرجا که مصلحت است شریعت خدا هم انجا وجود دارد. (۲)

آری! باوصف آن عموم مسلمانان با چنین درک و بینشی از شریعت موافق نبودند، بلکه در برابر هر تلاشی که از دائرۀ کلمات و نقوش مألوف آن ها پافراتر می گذاشت، مقاومت نشان می دادند. (۳)

در روشنایی چنین روش و برنامۀ بسا موضوعات به حیث احکام دین به خوانش گرفته می شدند که اساس دینی نداشتند و یا اجتهادها و برداشت های بودند که به یکی از محققان و مجتهدان مربوط بوده و از قداست دینی برخوردار نبود.

آیا حرام نخواهد بود امتی را محبوس فکر یک شخص سازیم و از آن در چنین محبسی این گونه ستایش به عمل آریم که او به حدود و احکام اساسی التزام دارد. (۴)

در اثر حاکمیت چنین جمود و ایستایی بود که آن شیخ الإسلام مالکی مذهب در پوهنتون ازهر به نام "علیش" نیزۀ طعن و نقد خویش را متوجه شیخ سنوسی نموده آنگاه که شنید او کتابی در اصول فقه نوشته و در آن چیزهایی را بر اصول مذهب مالکی افزوده و بر قدرت خود در استنباط احکام از قرآن و سنت به گونۀ مستقیم تأکید ورزیده است و با برخی مجتهدین مخالفت کرده است، در برابر وی گفت او از حریم دین تجاوز کرده و راه غیر مسلمانان را دنبال نموده است: "واتبع سبیل غیر المؤمنین" همین جمود بود که شیخ مروان ازهر را واداشت تا از پذیرفتن محصلان کشورهای امپراتوی عثمانی به دلیل این که آیا کشور آن بر اساس نص وقف مستحق شمول در رواق (لیلیه) می باشد یا خیر؟

همان گونه که این شیخ دلائل مستند به کتاب های تقویم البلدان (جغرافیه) در تعیین فاصلۀ آن ها رد کرده و آن ها را مشمول شرط وقف نمی دانست.

شیخ محمد عبده هنگام بیان این وقائع و ضررهای جمود می گوید: "وقتی برای یکی از آن ها گفته می شد که ائمۀ فقه موقعیت های کشورها را از نگاه جغرافیه تعیین نکردند و جدولی برای ما در هر منطقه بیان نکرده و اصول دین هم برای ما اجازه می دهد که به گفته هایی در این گونه فنون و به تواتر اخبار عمل کنیم، در جواب گفت: "من متن فقهی می خواهم نه دلیل عقلی"(۵)

همین جمود بود که هیأت دانشگاه الأزهر در چاد به استهزاء و سخریه کشانید، زمانی به سخریه کشانید که یک جوان چادی تبار در برابر هیأت به پاخاسته و گفت: "شما چطور به دانشجویان خویش درس می دهید که زن سیاه، زنی است در مرتبۀ پست قرار دارد؟ بنا بر این زن های ما و همه زن های سیه نژاد بد خلقت اند".(۶)

بدون چنین نمونه های حزن انگیز با تمسک جمود گرایانه به اقوال پیشینیان و تعبیرات آنان -بدون درک شرائط و ظروف و زمینه هایی که چنین حرف هایی را به زبان آوردند- و تدریس آن ها به دور از تحقیق و بررسی و بیان این که ثمره های اجتهاد صحیح از نگاه ارزش با هم مساوی بوده و همه اجتهادهایی اند فاقد عصمت، خیانت بس بزرگی را نسبت به فقه اسلامی روا داشته اند. (۷)

آری! همین مواضع جمودگرایانۀ فقیهان و شیوخ در جهان اسلام بود که زمامداران را واداشت تا به خاطر نجات از این وضع به وارد کردن قوانین بیگانه رو آرند.

دوم - تعصب مذهبی: از جمله نتایج خطرباری که فقه اسلامی را متضرر ساخت همانا دور ساختن وی از عرصۀ تطبیق بود، هر فرقه به یاری مذهب خود و دفاع از آن و پخش و نشر هرآنچه به او مربوط می شد، پرداخته و امام و پیشوایی در موقف بالایی از صفات علمی و اخلاقی قرار دارند و برای وی جایگاه بالایی را قائل شده و جایگاه ائمۀ دیگر را پائین آوردند و به ترجیح همه مسائل اختلافی مذهب خود، برمذاهب دیگر اقدام نموده و در این موارد به نوشتن کتاب هایی پیرامون اختلافی پرداختند که حاوی مسائل مختلف فیه بین امام مذهب شما و دیگران و به ترجیح ولو به تکلف هم می بود پرداختند. (۸)

در حالی ائمۀ مذاهب در این گونه مسائل راه تسامح را پیش گرفته و در مسائل اجتهادی هیچگاه برخی بر برخی عیبی را راجع نمی ساختند، و هدف آن ها تنها رسیدن به حکم خداوند در یک مسأله بوده به حریت رأی استناد می کردند که پیامبر"ص" به آن تشویق می کرد و می گفت: "إذا حکم الحاکم فاجتهدَ فأصاب فله اجران، و إذا حکم فاجتهد ثم اخطأ فله اجر"(۹) یعنی اگر قاضی حکمی را صادر می کرد و در حکمش مصیب می بود مستحق دو اجر گردیده و اگر در حکم مصیب نمی بود مستحق یک اجر می شد.

این روح تسامح در بسا آثار ائمه و پیشوایان فقهی ملموس بوده و از جملۀ آن ها می توان به نام لیث بن سعد عنوانی امام مالک (۱۰) و این گفتۀ امام شافعی نسبت به جایگاه فقهی ابوحنیفه - با آن که از وی انتقاد هم می کرد- (۱۱) "که مردم در فقه روزی خوار ابوحنیفه اند" و امثال آن ها از مالک و احمدبن حنبل اشاره کرد.

ابن تیمیه در این مورد می گوید: "زمانی که واقعه به یک مسلمان پیش می شود او از کسی فتوی می خواهد که باور دارد او برایش از شریعت خداوند فتوی می دهد، از هر مذهبی که باشد".

هیچ مسلمانی را بائیسته نیست که به مذهب معینی جز پیامبر و توجیهات و اخبار او، التزام ورزد، گفتۀ هر فرد از افراد مردم - جز پیامبر صلی الله علیه سلم - در مقام اخذ و رد قرار دارد، پیروی شخصی از مذهب معینی به خاطر عجز او از معرفت شریعت از جهت دیگری غیر از آن از جملۀ امور جائزه بوده و کسی برای هیچ فردی در صورت امکان معرفت شریعت از طریق دیگری غیر از آن طریق واجب نیم باشد، بلی هرکسی وجیبه دارد در حد توان خود از خداوند برحذر بوده و در طلب علم چیزی باشد که خدا و رسول او به آن امر کرده است، کار مأمور به را انجام دهد و امور محظوره را متروک گذارد."(۱۲)

این روح تسامح گرایانۀ برخاسته از این اصل که: "اختلاف علماء وسیلۀ رحمت است" روحیه یی که امام مالک بر بنیاد آن از پذیرفتن تحمیل مذهب خود و شناختن آن به حیث قانون دولت، سر باز زد و حل و فصل قضایا توسط آن صورت پذیرد.

آری چنین روحیۀ تسامح گرایانه چهره در خاک کشید و تعصب مذهبی از طریق مناقشات و جدل ورزی ها درمیان پیروان مذاهب، جاگزین آن شد، که پیامد آن ظهور علمی بنام علم جدل و مناظره بوده و این اختلاف بلایی شد حاکم بر جوامع اسلامی که آراء ضعیفی آن ها را درانحصار خود گرفته وبه احزاب و فرقه ها و حتی دشمنان یکدیگر تقسیم شان کرده و با تحول این اختلافات از ساحۀ نظری به ساحۀ عملی، هر یکی می خواست حریف خود را شکست دهد، بربنیاد همین اختلاف در مسائل فرعی امیال مکلفین رنگ صحت و فساد را به خود گرفته مثلاً صحت نماز حنفی در عقب شافعی مذهب در معرض این شک قرار دادند که صحیح است یا فاسد، زیرا این دو مذهب در مسائلی چون نیت، تسمیه و قرائت در نماز مسألۀ قنوت و سلام دادن، خروج خون از بدن و لمس کردن زن و امثال آن اختلاف دارند. این گونه مسائل مواقف به این قاعدۀ باطل "العبرۀ فی الإقتداء بمذهب المأموم لا الإمام" در اقتداء به نماز اعتبار به مذهب مقتدی است نه امام. "(۱۳)

و حتی از برخی آنان این قول هم روایت شده که "گویا پیامبری که در حجاز مبعوث شده جدا از آن پیامبری است که اهل عراق از آن پیروی می کنند".

شخص مالکی مذهب نمی خواهد جواب خود را در عالم مذهب دیگری بگیرد، نزد او بهتر آن است از شخص نافهم در مذهب حکم مساله را بپرسد و به آن عمل کند و قول شخص عالم از مذهب دیگر را ترک کند، چنین حالتی در عرصه های تدریس قضا و افتا حاکم بوده، و عزم و همت علما را ولو که در درجۀ اجتهاد هم قرار می داشتند درهم شکست.

فساد حکومتی بزرگترین مشکل مردم ...



آنتونیا ماریا رئیس ادارۀ مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل گفته است، فساد اداری و رشوه خواری باعث از میان رفتن اعتماد مردم نسبت به حکومت شده است که، در نتیجۀ آن شمار زیادی از مردم ترجیح می دهند، جهت حل منازعات خویش به افراد و مسؤولین طالبان رجوع کنند. وی فساد را به سرطانی تشبیه کرده است که اکنون به یک بیماری علاج ناپذیری تبدیل شده است. موصوف از آقای کرزی تقاضا نموده تا با رعایت کنوانسیون مبارزه با فساد اداری سازمان ملل، که افغانستان عضو آن می باشد، اقدام قاطع و عاجل جهت مبارزه با فساد روی دست گیرد.

مقامات حکومتی در برابر نشر گزارش سازمان ملل واکنش نشان دادند و آن را با عصبانیت شدید رد کردند.

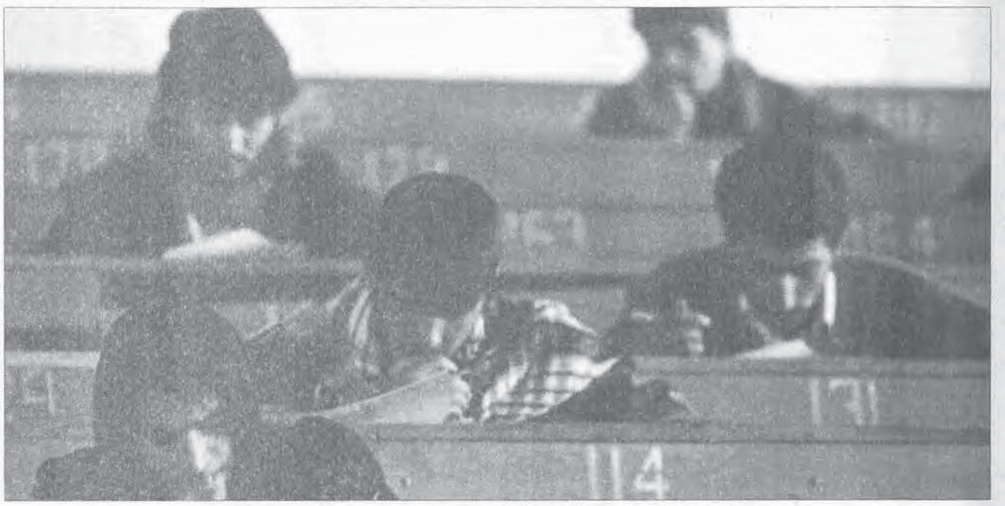
در اظهارات آقای زاخیلوال وزیر مالیه و آقای وحید عمر سخنگوی ریاست جمهوری، این گزارش یک جانبه، نادرست و مغرضانه توصیف شده است. آن ها گفته اند سازمان ملل با آن ها در تهیه و نشر این گزارش مشوره نکرده اند، همچنان انتشار این گزارش که در خارج از افغانستان صورت گرفته یکی از دلایل رد این گزارش از سوی مسؤولین خوانده شده است.

صاحب نظران اعتقاد دارند در حالی که موجودیت فساد گسترده و روز افزون در افغانستان از سوی تمام منابع بی طرف داخلی و خارجی مورد تأیید قرار گرفته است، چشم پوشی و انکار مقامات حکومت آقای کرزی، عدم جدیت این حکومت را در مبارزه با فساد به اثبات می رساند. از دید این صاحب نظران شرط اول مبارزه با فساد اعتراف به این مشکل اصلی در کشور می باشد و تا زمانی که آقای کرزی و مأمورین بلند رتبه اعتراف نکنند که حکومت افغانستان دستخوش فساد گستردۀ اداری است نمی توان برای مبارزه با این مشکل امیدوار بود.

نشر گزارش فساد از طرف ادارۀ مبارزه با مخدرات و جرایم سازمان ملل در آستانۀ برگزاری کنفرانس لندن یک بار دیگر فرصت را مساعد نمود تا جهان متوجه فساد گسترده در حکومت افغانستان گردد.

لازم است جامعۀ جهانی به منظور حل بحران در افغانستان به مشکل فساد در حکومت اهمیت لازم قایل شود و برای حل ان اقدامات عاجل و قطعی را روی دست بگیرد و فشار بیشتر بر مقامات حکومت وارد سازد.

بدون ایجاد اصلاحات در حکومت و طرح برنامۀ مشخص برای مبارزه با فساد، بهبودی در وضعیت افغانستان و پایان جنگ و نا امنی ناممکن به نظر می رسد.



یک مقایسهٔ نسبی میان کانکور ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ وزارت تحصیلات عالی

تکساری

تعداد شاملان کانکور سال ۱۳۸۴ هـ را ۴۳۰۰۰ تن تشکیل می داد و به تعداد ۱۲۰۰۰ تن آنان در دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی جذب گردیدند. در آن سال پنج هزار محصل در مؤسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی مجال تحصیل را در یافتند. در آن سال در سطح کشور ۱۳ دانشگاه و شش مؤسسه تحصیلات عالی فعالیت داشتند و مجموع پذیرش در مؤسسات عالی و نیمه عالی کشور را «۱۷۴۶۷» در سال ۱۳۸۵ تشکیل می داد. در صورتی که در سال های (۱۳۸۸) از یکصد هزار تن شامل امتحان کانکور می گردیدند که نظر به پلان و برنامه پذیرش در سال ۱۳۸۹ هـ مجموع پذیرش وزارت تحصیلات عالی به دانشگاه ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور به (۲۱۹۷۰) تن می رسد. اگر میزان پذیرش و زارت تحصیلات عالی را در بین سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ مقایسه نماییم. نظر به تعداد متقاضیان تحصیلات عالی، فیصدی قابل ملاحظه یی را در پذیرش نشان نمی دهد. در صورتی که امروز در سطح کشور ۱۴ دانشگاه و ۱۱ مؤسسات تحصیلات عالی فعالیت دارد. یک چیزی که می تواند برای وزارت ها محترم تحصیلات عالی و معارف به مثابهٔ یک دست آورد تلقی گردد، ایجاد نزدیک به ۴۰ واحد مؤسسه تربیه معلم و افزایش فاکولته های تعلیم و تربیه در جنب دانشگاه ها و ایجاد فاکولته کمپوتر ساینس و منجمنت در برخی از دانشگاه ها است که بیشترین محصلان را در خود جذب می نماید. به همین گونه ظرف دو سال اخیر از طریق امتحان کانکور بر نامه پذیرش محصلان به کورس های مستعجل افسری و خورد ضابطی و اکادمی پولیس (کورس های ساتنمی) در نظر گرفته شده است. و در برخی از ولایات کشور تعدادی از دختران از طریق امتحان کانکور عمومی به کورس های نرسی قابلگی معرفی می گردند که می توان از ولایات، کابل، بلخ، فراه، کندهار، ننگرهار، هرات، هلمند، کندز و بدخشان نام برد.

وزارت تحصیلات عالی برای هر محصل و متقاضی تحصیلات عالی، سه فرصت را در نظر گرفته است و کسانی که شانس ادامهٔ تحصیلات عالی و یا نیمه عالی در امتحان نخست خویش پیدا نه نماید و یا نخواهد در مؤسسه یی که از طریق کانکور معرفی گردیده است، به ادامه تحصیلات خود، ادامه دهد. بعد از انفکاک از مؤسسه مربوطه می تواند، شامل امتحان کانکور در سال بعدی گردد. و توانمندی خود را بار دیگر، بیازماید. باید گفت که با گذشت هر سال فشار بالای وزارت تحصیلات عالی بیشتر می گردد، منطقی خواهد بود که یکتعداد از فارغان صنوف دوازدهم، نظر به برنامه های کاریابی وزارت های مختلف، چون معارف، جوانان، کار و اموراجتماعی و سائر نهاد های دولتی و غیر دولتی، به مکاتب حرفوی، مسلکی و سائر مهارت ها روی آورند تا برای خویش کار یابی نمایند. در غیر آن وزارت تحصیلات عالی با این امکانات و ظرفیت موجودی که در اختیار دارد، قادر نیست، تعدادی بیشتری را در مؤسسات موجوده خویش جذب نماید. طی سال های اخیر این وزارت قادر نیست نظر به بودجه دولتی نا چیز خویش تمام محصلانی که از ولایات به دانشگاه های کشور روی آورند، برای آنها خوابگاه در نظر گیرد و یا خدمات اضافی را برای شان بر نامه ریزی کند. معضل خوابگاه، یکی از معضل های بزرگ دانشگاه های افغانستان، به ویژه دانشگاه های شهر کابل است، محصلانی که به این دنشگاه ها روی آورند، این وزارت نمی تواند، همه آنها را همزمان شامل خوابگاه های مجانی نماید، به همین سبب یکتعداد از محصلانی که شانس ادامه تحصیل را در این دانشگاه ها پیدا نموده اند، نظر به بلند بودن هزینه در شهر های بزرگ یا دانشگاه ها را ترک میدهند و یا به کار های جانبی می پردازند که نتیجهٔ خوب از دروس بدست نمی آورند. در صورتی که وزارت محترم تحصیلات عالی خود به ظرفیت سازی و نوسازی مجدد نیاز دارد، ایجاد می نماید. نظر به ضعف اقتصادی مردم افغانستان خوابگاه های جدید و نظر به تقاضای بیشتر فارغان صنوف دوازدهم به تحصیلات دولتی، بناهای جدیدی در جنب بناهای موجوده ایجاد گردد، کادر های متخصصی، با قبول هزینه کلان دولتی در این مؤسسات جذب گردد، این ها و ده ها عامل دیگر وجود دارد که می تواند ظرفیت در این وزارت را بالا ببرد، تا زمانی که این وزارت از نظر کادر تخصصی، لوازم آموزشی و سیستم های پیشرفته الکترونیک، باز سازی نه گردد و ظرفیت این وزارت از نظر مادی و معنوی ارتقا نباید امید جذب و پذیرش بیشتر محصلان در چوکات این وزارت کاری دور از انتظار می باشد. ظرف این سال های اخیر در جنب دانشگاه ها مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی به فعالیت آغاز کرده است. نخستین دانشگاه خصوصی، دانشگاه امریکای می باشد که از سال ۱۳۸۵ بدینسو در شهر کابل به فعالیت آغاز نموده است، تعداد مؤسسات خصوصی تحصیلات عالی در سطح کشور که اجازه فعالیت را از وزارت تحصیلات عالی بدست آورده اند. بیش از بیست مؤسسه می باشد. این مؤسسات از طریق امتحان اختصاصی محصلان را با قبول پرداخت جذب می نمایند. در سال ۱۳۸۹ هـ مجموع پذیرش در تحصیلات عالی و نیمه عالی به ۶۴۳۸۵ تن بالغ می گردد که فیصدی بزرگی از متقاضیان تحصیلات عالی را احتواء می نماید. در این جدول میزان جذب تحصیلات عالی و نیمه عالی نشان داده می شود.

مجموع پذیرش در پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی ۲۱۹۷۰

مجموع پذیرش در مؤسسات تربیه معلم ۳۱۲۰۰

مجموع پذیرش در مدارس دینی ۳۶۰۰

مجموع در مؤسسات نظامی ۵۵۰۰

مجموع پذیرش در مؤسسات متوسطه طبی ۷۲۰

مجموع عمومی ۶۴۳۸۵

این رقم پذیرش، رقم درشتی است که تحصیلات عالی و نیمه عالی برای جوانان کشور در سال ۱۳۸۹ هـ از طرف دولت در نظر گرفته شده است و در اوضاع و احوال کنونی کشور، یک دست آورد بزرگ نظام آموزش و پرورش در سطح عالی و نیمه عالی در کشور می باشد.

نهادینه شدن قانون گرایی و حقوق برابر شهروندی...

حکومت و قدرت در افغانستان اکنون به مثابهٔ یک شرکت و کمپنی عمل می کند که تنها در فکر تأمین منافع اعضای خویش است و به منافع مردم چندان اهمیتی قایل نیست.

از این نگاه تصمیم اعضای مجلس نمایندگان در رد نامزد وزیرانی که می خواستند بنام قوم و گروه های اجتماعی خاصی منافع خود و ولی نعمتان خویش را تأمین کنند، این شانس را از آنان گرفتند. آن گونه که فکر می شود قابل انتقاد نیست.

مردم افغانستان اگر می خواهند به عدالت اجتماعی و حقوق برابر دست پیدا کنند، باید در فکر تقویت قانون مداری و ایجاد زیر ساخت های قانونی برابری خواهانه باشند. نهادینه شدن حقوق برابر شهروندی و به رسمیت شناختن حیثیت و ارزش انسانی مردم کشور می تواند منافع و حقوق یکایک شهروندان را تأمین کند و برحق تلفی و استبداد پایان دهد.

در این صورت است که دیگر چوکی وزارت اهمیت خویش را از دست می دهد و هیچ قومی برای رسیدن به آن و در حقیقت رساندن حقه بازان و معامله گران به مقام های عالی قدرت به جان هم نمی افتند و تنها شایسته گان می توانند وزیر شوند، اما برای همه کار کنند نه برای شخص، خانواده و یا گروه خویش.

به میان آمدن این کمال و پختگی در نظام سیاسی و اجتماعی افغانستان، منافع گروه های تباری ـ سیاسی کنونی را به خطر روبرو می سازد و این شانس را که آن ها همیشه بنام مردم و اقوام باج بگیرند و به چوکی وزارت دست پیداکنند اما برای مردم کاری انجام ندهند، از آنان می گیرد. از همین روست که گروه های دلال، دل خوشی برای نهادینه شدن عدالت و برابری شهروندی در کشور ندارند.

ولس در مشاورينو لښکر جوړونه نه؛ بلکې احتساب...

او پلازمينه کابل کې هم دلکونو ډالرو د عقار او کورونو خاوندان دي.

او دوهمه پوښتنه دا ده چې په کوم هېواد کې د مشاورينو لښکرې موجودې دي چې کرزي صيب يې پيروي کوي؟ آيا د مشاورينو د تاکلوهم کومه اندازه شته او که نه؟ چې د هر وزارت سره دې په موازې توګه يوه بله کابينه د مشاورينو په نوم شتون ولري.

که ولس د کرزي صيب په دې سخاوتمندانه کړنو خوښ واې نو نن به د کابل په زړه کې د تحليف د مراسمو سره يوځاې د افغانانو غوښې نه الوتلې او نه سوځيدلې!!

او که د ولسمشر کارپوه(!) وزيران او د سرپرستانو او مشاورينو لښکر، کارونه د کار ور خلکوته د سپارنې په معيار او بنياد ګمارل شوي واى نو بيا ولې د کابل په زړه او د ارګ په څو متری کې داسې پيښې رامينځته کيږي چې افغانان د ماتم په ټغر کښينوي؟!

له نړيوالو څارونکو او د افغانستان په بحران کې له ذيدخلو هېوادونو او يوناما څخه پوښتنه دا ده چې د افغانانو په نوم د دوې مرستې د يو عام افغان د ژوند دوضعې د ښه کېدلو او په خپلو پښو دريدلو لپاره دي او که د کرزي صيب لخوا د خپل انتخاباتي کمپاين د لښکر نازولو او ولس مسترد کړو نومانند وزيرانو د خوشحالولو لپاره؟

افغان ولس خو د سرپرستانو او مشاورينو او مشاورينو لښکر جوړيدنه نه غواړي بلکې عدالت، شفافيت، احتساب او د قانون پلي کيدل غواړي او دا چې د نړيوالو لخوا په ترسره کيدونکو مرستو باندې داسې پروژې ترسره او بشپړې شي چې د عامو افغانانو ژوند ښه کړي او ټول ولس ورڅخه ګټه واخلي. او په ريښتينې توګه د هېواد د هر اړخيزې رغاونې او آبادولو لپاره کار وشي، د کوم کار سرته رسول چې د نړيوالو قوتونو لپاره زمونږ په هېواد کې د شتون دليل دی او د اوباما د نوې استراتيژۍ مهم عنصر جوړوي. نو بايد نړيوال د کرزي د دولت کړنې د شپږو مياشتو په دوران کې د پوره دقت او مطالعې لاندې ونيسي او هم دې يوناما او مطرح هېوادونه دا زمينه برابره کړي چې پارلماني ټاکنې په هېواد کې له شفافيت او بې طرفۍ سره ترسره شي.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

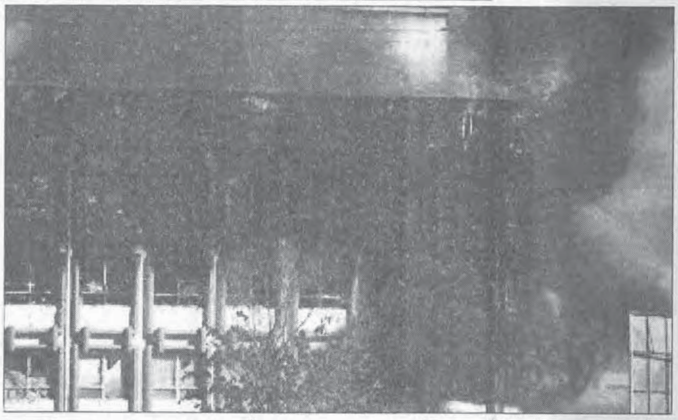
جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارۀچهل و سوم ۳ دلو- ۱۳۸۸ – ۷ صفرالمظفر ۱۴۳۱ 23- January 2010

د مرغومی اته ویشتمه د یرغلگرو بری یا د حکومت؟

خپاند



دا پېښه په ښکار توگه په ډاگه کړه چې وسله وال ځواکونه د ورته پېښو د مخنیوی توان نلری او بریدگر کولای شي ښارته او ارگ ته نژدی وسله وال برید ترسره کړی

د تیری دوشنبی په سهار د کابل د ښار په زړه او د جمهوري ماڼۍ ته څیرمه، د دولت د وسله والو مخالفینو له خوا یو پراخ یرغل ترسره شوه چې له بېلابېلو اړخونو څخه باید وڅېړل شي او دی سوال ته د ځواب د چمتووالی په موخه هر اړخیزه څېړنه وشي:

- دا څویم څل دی چې د دولت وسله وال مخالفین کولای شي سره له سپکو او درنو وسلو د کابل ښار منځ ته ننوځی، وزارتخانی او نور مهم او مشهور ځایونه تر برید لاندې ونیسي.

- دا دویم ځل دی چې جمهوري ارگ ته نژدی وسله وال برید کیږي او څو ساعته دوام کوي.

- دا لومړی ځل دی چې بریدگر کوونکی عامو خلکوته د پناه اخیستلو او خوندی ځایونوته د تلو لارښوونه کوي او د هغوی د تلفاتو د مخنیوی لپاره هڅه کوي.

- په دې برید کې چې جمهوري ماڼۍ ته څیرمه ترسره شوه، څو ماڼۍ ته کوم راکټ ونه توغول شوه او تر پایه پوري خوندی پاتی شو!

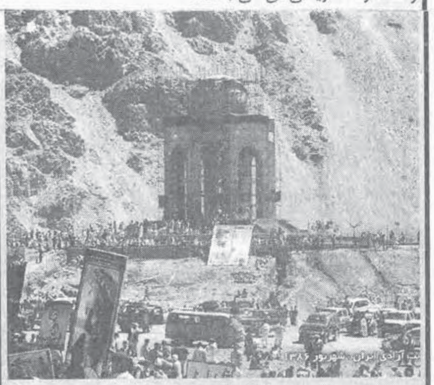
ویل کیږي چې برید کوونکي غوښتل د ملي بانک ودانۍ ته ننوځي او بیا په ارگ باندې گوزار وکړی خو په دې باندې بریالی نشول. پاتې پر۵مخ

پنجشیر و تلاش ها برای مسخ هویت تاریخی آن

فقیری

پنجشیر در تاریخ معاصر افغانستان جایگاه بلندی دارد. نام پنجشیر با نام بزرگ احمدشاه مسعود شهید گره خورده است. جهاد و قربانی های بی دریغ و پیهم مردمان سلحشور، آزاده و قهرمان این کوه ها و کوهپایه ها نه تنها در تاریخ افغانستان بلکه در تاریخ دنیا و مبارزات آزادیخواهانۀ ملل تحت ستم گیتی در دوران امپریالیسم سرخ، جزء اوراق زرین این تاریخ هاست...

هویت پنجشیر و شناسنامۀ تاریخی آن یک هویت اسلامی، جهادی و مقاومت است. نام پنجشیر در کتاب ها، روزنامه ها و رسانه ها با نام اسلام، جهاد، مقاومت، ایثار و سربلندی پیوند دارد و مردم ما و مسلمانان جهان و همۀ مردم آزادیخواه دنیا به این نام و افتخارات تاریخی آن می بالند...



هر وجب خاک پنجشیر از خیزش ها و دلاوری ها و قربانی ها حکایت دارد! سرزمین پنجشیر یک موزیم زنده و بی حصار تاریخ است...

این است نام و هویت جدید پنجشیر و این است شناسنامه و تذکرۀ آن که مایۀ فخر و سربلندی مردمان آزادۀ این ولایت است اما...

اما در این اواخر برخی از آوازخوانان زن و مرد، آهنگ هایی می خوانند و با سر و صورت های بیگانه با دین و فرهنگ در تلویزیون ها ظاهر می شوند و از پنجشیر یاد می کنند و آن را وصف می نمایند و بعضی از صحنه ها نیز در پنجشیر فلمبرداری شده است!

در این آهنگ ها، پنجشیر وصف می شود اما چه وصفی!!

وصف هایی که با تاریخ شکوهمند و آداب و اخلاق و هویت جهادی آنان همخوانی و سازگاری ندارد...

می خواهند هویت زدایی کنند و شناسنامۀ دروغین برای این سرزمین صادر کنند!

انصاف نیست که عزت، افتخار و سربلندی را از پنجشیر بگیرند و رقصک و قرصک را جزء هویت اصلی آن سازند.

نهادینه شدن قانون گرایی و حقوق برابر شهروندی نیاز جامعۀ ماست نه وزیر شدن افراد معین

❖هابیل

در دو دور برگزاری رای اعتماد در مجلس نمایندگان، بیشتر نامزد وزیران مربوط به قوم پشتون رای آوردند و نامزدانی که تبار غیر پشتونی داشتند، مخصوصاً نامزدان هزاره به کابینه راه نیافتند، همچنان نامزد وزیران ازبک تبار به ویژه آنانی که از جانب آقای دوستم معرفی شده بودند، هیچ کدام نتوانست رای بیاورد.

این دو رویداد، بحث های را در میان مردم مخصوصاً در رسانه ها به میان آورد و شماری آن را گرایش قومی در میان نمایندگان تلقی کردند و ادعا نمودند که با این کار عدالت اجتماعی و برابری میان اقوام و شهروندان کشور بصورت جدی صدمه دیده است.

جای تردیدی وجود ندارد که عضویت نمایندگان تمام اقوام و گروه های اجتماعی و ولایات و مناطق مختلف افغانستان در ساختار حکومت و دیگر ارگان های دولت، یکی از جلوه های مهم وحدت ملی و مشارکت مردم در قدرت می باشد. اما این موضوع به هیچ صورت به تنهای نمی تواند وحدت ملی و مشارکت مردم و مهمتر از آن، برابری میان شهروندان و تأمین حقوق مساویانه آنان را باز تاب دهد.

تجربه ثابت نموده است که شرکت در

> **در چند سال اخیر تا اندازۀ کرسی های کابینه و پست های مهم قدرت در میان اقوام و گروه های مختلف توزیع شده و مشارکت ملی در کابینه بازتاب یافته است، اما این کار تأثیر قابل ملاحظه در ایجاد برابری و حقوق مساویانه مردم عادی نداشته است، هر چند که کرسی های وزارت در میان اقوام توزیع شده اما به هیچ صورت ثروت و بودجۀ عمرانی در میان مناطق مختلف و ولایات توزیع عادلانه نشده است**

کابینه و کسب چوکی وزارت و دیگر مراکز قدرت در کشور، بیشتر منافع شماری اندکی را که رهبری گروه های سیاسی و قومی را در دست دارند، تأمین می کند و تأثیری در ایجاد برابری و تأمین حقوق شهروندی باشندگان افغانستان ندارد. دلیل این ادعا این است که در چند سال اخیر تا اندازۀ کرسی های کابینه و پست های مهم قدرت در میان اقوام و گروه های مختلف توزیع شده و مشارکت ملی در کابینه بازتاب یافته است، اما این کار تأثیر قابل ملاحظه در ایجاد برابری و حقوق مساویانه مردم عادی نداشته است، هر چند که کرسی های وزارت در میان اقوام توزیع شده اما به هیچ صورت ثروت و بودجۀ عمرانی در میان مناطق مختلف و ولایات توزیع عادلانه نشده است، در این چند سال با آنکه ولایت هلمند سهمی چندانی در کابینه نداشته، اما چند برابر ولایات بامیان که سهم بیشتر در قدرت داشته، بودجه دریافت نموده و پروژه گرفته است. در این چند سال اگر پلی و یا سرکی توسط طالبان هلمندی در آن ولایت ویران شده، فردایش پروژۀ برای ساختن پل و سرک دیگر روی دست گرفته شده، اما در این هشت سال یک کوچه در بامیان اسفالت نشده است.

بنابر این این تصور که اشتراک شماری از سیاستمداران و شهرت یافته گان می تواند منافع هواداران و پیروان و هم تباران آن ها را متحقق سازد و برابری و مساوات میان ملت افغانستان را تأمین کند، ایده و تصور نادرستی است و نباید به وزیر شدن و یا نشدن افراد وابسته به این گروه تباری و یا آن گروه قومی، بیش از حد خوشبین و یا بدبین بود.

اکنون ثابت شده است که اشخاص و گروه های مدعی چوکی وزارت صرف در پی منافع شخصی و خوانوادگی خویش می باشند و کاری به منافع مردم و تأمین برابری و مساوات در جامعه ندارند. ادامه درص ۷